

که عرض میکنم

اولاً قرائت راپورت اداره مباشرت

ثانیاً نطق آقای حاج آقا

ثالثاً رسیدگی باعتبار نامه های آقای وکیل الملک

آقای شیخ الاسلام نیابنده اصفهان - آقای ضیاءالادبا

آقای آقا شیخ محمد حسین سعادت - آقای آقا شیخ

عبدالکریم - آقای سردار جنک

در این ضمن کمیسیونهایی که مطابق معمول

باید انتخاب بشود در خارج انتخاب خواهد شد

راجع بدستور مخالفی نیست (اظهاری نشد)

• (مجلس پانزده دقیقه قبل از ظهر ختم شد)

جلسه ۲۰

صورت مشروح مجلس یوم شنبه

۲۲ ذیحجه ۱۳۴۹ مطابق ۴ برج

سنبله ۱۳۰۰

مجلس یکساعت و نیم قبل از ظهر در تحت ریاست

آقای امیراعلم نایب رئیس تشکیل گردید

صورت مجلس روز دوشنبه بیستم ذیحجه را آقای

آصف الممالک قرائت نمودند •

نایب رئیس

نسبت بصورت مجلس اگر

آقایان اعتراض دارند بفرمایند آیا اعتراضی هست؟

اظهاری نشد •

صورت مجلس تصویب گردید - دستور امروز

همین طور که در صورت مجلس بعرض آقایان رسید

اول خواندن راپورت اداره مباشرت بعد نطق آقای

حاج آقای شیرازی بعد رسیدگی به اعتبار نامه های آقایان

وکیل الملک - شیخ الاسلام - آقای سردار جنک و آقای

شیخ محمد حسین سعادت و آقا شیخ عبدالکریم وضیاء

الادباء چون از این اعتبار نامه ها فقط اعتبار نامه آقای

سردار جنک حاضر است اگر اجازه میفرمایند او را مقدم

بداریم مخالفی نیست؟ (گفته شد خیر)

نایب رئیس

آقای آقا شیخ محمد

جواد راپورت شنبه اول راجع بنمایندگی آقای

سردار جنک بمضمون ذیل قرائت نمودند •

شعبه اول - رسیدگی بدوسیه انتخابات ایل جلیل

بختیاری نموده راپورت آنرا بقرار ذیل تقدیم مینماید.

نوزدهم ربیع الثانی ۳۹ انجمن نظارت مرکزی

در مالیر تشکیل گردیده چهار شعبه نظارت از دهر

سرپل - سر اداره نفت - قلعه قل منعقد نموده اند -

در تمام حوزه انتخابیه ۲۵۷۵ ورقه تعرفه داده شده

و ۲۴۹۷ ورقه رای دریافت کرده اند آقای سردار

جنک با اکثریت ۱۵۰۲ رای از طرف ایل بختیاری

بسمت نمایندگی و عضویت مجلس شورای ملی انتخاب شده

اند یک هفته انجمن نظار برای اخذ شکایات دایر

ولی شکایاتی نرسیده در ۲۳ جمادی الاول خاتمه به

انتخابات داده و انجمن نظار را منحل کرده اند شعبه هم

نظر بحسن جریان انتخابات نمایندگی آقای سردار

جنک را تصدیق مینماید •

نایب رئیس

نسبت باعتبار نامه آقای سردار

جنک مخالفی هست؟ (اظهاری نشد)

نایب رئیس

آقای سردار جنک را تصویب میفرمایند قیام نمایند.

(جمع کثیری از نمایندگان قیام نمودند)

نایب رئیس

تصویب شد راپورت اداره مباشرت

که بنا بود امروز خوانده شود چون آقای رئیس

تشریف ندارند میگذاریم برای جلسه آینده و اگر

مخالفی نباشد شروع میکنیم باستماع نطق آقای حاج

آقا شیرازی •

حاج شیخ اسدالله - آقا برای خواندن راپورت

مانعی هست یا نقصی دارد اگر نقصی ندارد و فقط

خواندن راپورت است بنده تصور میکنم خوانده شود

و بعد از خواندن هم مذاکره در اطراف آن نخواهد

شد چون بر میگردد بکمیسیون محاسبات پس از آنکه

بمجلس بیاید - از آن گفتگو میشود باوجود این مانعی

برای خواندن راپورت بنظر نمی آید •

نایب رئیس

گمان میکنم کاملاً تمام نشده

باین جهت بماند برای جلسه آتی بهتر است •

حاج شیخ اسدالله

بسیار خوب •

نایب رئیس

آقای حاج آقا (اجازه نطق)

حاج آقا

قبلاً برای اینکه شاید مدت عرایض

بنده طولانی باشد از آقایان و از مقام ریاست استدعا

میکنم که در هر موقع تنفس و ختم جلسه را مقتضی

بدانند اعلان کنند و بقیه عرایض را برای بعد از تنفس

یا جلسه آتی میگذارم ولی آقایان حاضر برای استماع

هستند هم حاضر برای بیانات خود هستیم •

عرایض بنده شاید در اذهان تمام افراد این مملکت

متوج و عقاید آقایان و کلاً نسبت به روش این عقاید

موافق است ولی شاید کمتر در مقام تنظیم و بیان این

عرایض بر آمده باشند و بنده می خواهم نتیجه افکار

عموم و آرزوهای ملت و عقاید متراکم جمعیت و ملت را

بعرض آقایان برسانم و تعقیب این عقاید را اولین

وظیفه حتمی خودم در مقام نمایندگی میدانم سایر

آقایان هم تصور میکنم همین عقاید را دارا هستند

و با توافق همین عقاید امیدوارم که بنیان اصلاحات

بر روی آنها قرارداد داده بشود و قایع هر اندازه عظیم و

سهمگین باشد وقتی که جمعیت و جماعت تدریجاً داخل

آن قایع سهمگین شد عادت بآن قایع میکنند متعدد

به پذیرفتن آنها میشود •

دوش جماعت در زیر بار سنگین حوادث پر -

طاعت میشود ولی در نتیجه با همین تعود اگر در

فکر علاج و رفع این بارهای سنگین نباشد نتیجه جز

اضمحلال و فنا چیزی نخواهد بود ما در مقابل تکالیف

فوق العاده مهمی واقع شده ایم تکالیفی که یک سلسله

دوره های فترت و هرج و مرج و دوره های بی تکلیفی

و عدم وظیفه شناسی در این مملکت ایجاد نموده . ما

در مقابل یک چنین حوادثی هستیم مجلس شورای ملی

در دوره چهارم تقنینیه در مقابل یکسواد و حشمتناکی واقع شده که فقط نتیجه فترت و نتیجه عدم محس و وظیفه شناسی زمامداران دوره فترت است در مقابل این تکالیف سنگین و مهم ما باید کمرهای خود را سخت ببندیم و حاضر برای مبارزه عملی بشویم ولی برای اینکه بتوانیم داخل در اصلاحات بشویم فقط از محیط عادت باید یک قدری بالا تر برویم و پرده های عادت و اعتقاد چند ساله فترت را پاره بکنیم تا بتوانیم وقایع و عظمت این دوره هارا بآن طوری که هست اندازه گیریم برای خارج شدن از محیط زندگانی عادی چه لازم است ؟

فقط عزم تغییر نا پذیر برای عمل زیرا که گفتارها نوشتن ها و بهبوده سرائیهای بلا عمل با اندازه اذهان را خسته کرده است که هیچ اثری بر او مترتب نمی شود پس باید فقط خود را برای عملیات حاضر نمائیم و عزم بکنیم که عملی باشیم برای عملی بودن در یک مملکتی که اینهمه مشکلات زیاد است قبل از همه چیز لازم است که هر نماینده و هر کس که کمر خود را برای اصلاحات راست می کند فقط باید رویه سیاست خودش را معین کند تا بآن رویه و عقیده خود بتواند داخل در زمینه اصلاحات مملکت شده و عملی باشد تعیین خط مشی قبل از هر چیز برای دخول در سیاست لازم است و اینکه ما در دوره های گذشته دچار اینهمه مشکلات شده ایم و اینکه از اصل مشروطیت تا امروز بدون استثناء یک قدم نتوانسته ایم رو باصلاح برویم برای این است که خط مشی عملی برای خودمان در هیچ موقع اتخاذ نکرده ایم پس برای اینکه در این دوره مثل سایر ادوار گذشته عملیات ما بی نتیجه نباشد فقط قبل از هر چیز خط مشی را باید معین کنیم من چون این حقیقت را حس کرده ام برای خودم یک خط مشی اتخاذ کرده ام که الان در حضور آقایان دارم عرضه میدارم گمان می کنم خیلی از آقایان در این خصوص بامن موافق هستند و پس از آنکه خط مشی خودم را در سیاست بیان کردم از خط مشی که بدون هیچ تغلف و هیچ دقیقه از دقایق او را صرف نظر نمی کنم شاید بگویند عملی بودن خیلی مشکل است و شاید تصور کنند که یکمرتبه وارد شدن برای خرابی ترتیبات عادی چهارده ساله خیلی کار مشکل و سختی است ولی حوادث بمانشان داد که اینطور نیست و اگر بخواهیم می توانیم من زیاد تر از این در این زمینه چیزی عرض نمی کنم همین قدر مختصراً عرض می کنم هر مشکلی از آن سخت تر و شدید تر نباشد در مقابل عزم و اراده قوی خیلی آسان میشود اگر چه عرایض من خیلی زیاد میشود ولی بخواهش جمعی از آقایان « که موقع را عجلتاً مقتضی ندانستند که بنده تمام عرایض خود را عرض کنم »

یک قسمتی از آنها را صرف نظر نمودم ولی عرایض خودم را تقسیم بچند قسمت میکنم یک قسمت راجع بسیاست مجلس شورای ملی است یک قسمت راجع باصلاحات عمومی و اجتماعی و یک قسمت راجع

باصلاحات اداری و سیاست داخلی است تا بعد برسیم سیاست خارجی اما سیاست من راجع به مجلس شورای ملی و دوره پارلمانی بنده همچو معتقدم که در مجلس شورای ملی در این دوره تقنینیه و در هر دوره باید نمایندگان صاف و عریان و پرده حقایق را بگویند پرده پوشی و تراکت مداری از وظیفه دیپلماتها است مجلس شورای ملی نماینده عامه است عامه که زبان دیپلوماسی نمی فهمند عامه که از محیط تراکت مداری دور است عامه که بسط است ساده و ظاهر بین و عریان گو هیچ وقت در تحت پرده و لغافه مقاصد خود را بیان نکرده ما هم نماینده آن عامه هستیم ما باید همانطور که موکلین ما که ما را مبعوث کرده اند آشنا باین زبان نیستند ما هم باید بزبان موکلین خودمان صحبت بکنیم و حقایق را عریان و صاف ساده بگوئیم و بعد از گفتن معایب اصلاحاتش را بخواهیم : درد ها را صاف بگوئیم و علل آنها را هم صریح بگوئیم بهر جا میخواهد بر بخورد وقتی که دردها را گفتیم و علل آنها را هم صریح گفتیم و حتی نخواستیم بر خودمان هم مشتة کنیم آنوقت را که اصلاح را جستجو کنیم و یقینا خواهیم جست این اصل راجع بتکالیف خود در مقام نمایندگی ، دوم راجع باساس سیاست مجلس شورای ملی من عقیده ام این است و تصور می کنم که تمام آقایان هم باین عقیده همراهند که امروز باید برای تمرکز افکار و ایجاد یک مرکز ثقل افکار را متوجه مجلس شورای ملی کرده و قبل از همه چیز این امر واجبتین تکالیفی است که وکلای ملت بگردن دارند یعنی حتما باید به وسایل عملی و اقدامات لازمه افکار تمام جماعت را در اطراف مجلس متمرکز کنند لزوم افکار در اطراف مجلس شورای ملی باندازه حد لزوم را داراست که تصور نمیکنم هیچ یک از اصلاحات باین درجه لازم و مقدم باشد برای اینکه اگر مرکز ثقل در مملکت نباشد و اگر مجلس شورای ملی محل تمرکز افکار نباشد مجلس شورای ملی نمیتواند موفقیت حاصل بکند بانجام اصلاحاتی که اردو ها برضد آن در مملکت متمرکز هستند اصلاحاتی که در دوره ایام فترت قشون برای جلوگیری و دفاع از آن تشکیل می دادند که آن اصلاحات پیش نیاید اگر مجلس شورای ملی محل تمرکز افکار نباشد با اینهمه اردوهای مسلح و مکمل که با تمام وسائل حاضر برای مدافعه هستند مجلس شورای ملی چطور میتواند قدمی باصلاحات بردارد پس باید تمرکز افکار را اول در اطراف مجلس شورای ملی قرارداد پس از آن تشخیص بدهیم که تمام خرابی های وارده بر این مملکت ناشی از دوره فترت است و دوره فترت مبداء تمام خرابیها است پس از اینکه تمرکز افکار را در اطراف مجلس شورای ملی قائل شدیم باید تمام وسائل را تهیه کنیم که مجددا مبتلا بایام فترت نشویم آیا ممکن است تصور شود مملکتی که شانزده سال در خط مشروطیت سیر میکند در شانزده سال چهار دوره تقنینیه داشته باشد ما باید این اصل را

خراب کنیم و بفهمانیم که اصول مشروطه تغییر پذیر نیست و نباید دوره فترت دوباره تجدید شود باید مجلس شورای ملی کمال اهتمام را در این قضیه بخرج داده و این مسئله را تعقیب کند که دوره فترت در مملکت تجدید نشود زیرا تمام خرابیها از دوره فترت بوده و اگر باز هم تجدید بشود باید با اصول مشروطیت فاتحه خواند. مضرات ایام فترت را بنده نمیخواهم عرض کنم مضرات او باندازه زیاد است که نه من بلکه هیچ ناظقی نمیتواند تمام مضرات را در یک یادویاسه جلسه بیان کند خرابیهای اداری هرج و مرج های عمومی غارتهای مالیه تحمیلات طاقت فرسا بر دوش توده مالیات بنده فقیر مملکت و اعدام حس تمام از نتایج دوره فترت است بنابراین میتوان گفت که بزرگترین شمشیری که برای شهرت آزادی بسوی آزادی کشیدند همین تشکیلات دوره فترت بوده دوره فترت چه کرده ؟ فراموش نباید کرد در اول مشروطیت احساسات عمومی تمام متهیج بوده و خونها تمام برای اصلاحات در جوش بوده دوره فترت احساسات عمومی را کشت و از بین برد اصول مشروطیت را از بین برد قانون اساسی کاغذ پاره شده و بکلی بتمام این اصول مقدسه توهین کردند و بواسطه همین ایام طولانی فترت از خاطر ها محو کردند نظارت بر عملیات دولت یکی از چیزهایی بود که در بدو مشروطه در افکار هر ضمیر و کبیر افراد این مملکت جاری بود در اقصی بلاد ایران اگر از یک نفر میپرسیدند که اصول مشروطیت چیست اول میگفت نظارت در اعمال دولت اما امروز باندازه ای این احساسات مردم که دیگر هیچکس جرأت نمیکند که بکوچکترین مأموری بگویند اینهمه ظلم و غارتگری چرا ؟ و اینهمه یغماگری که میکند به چه مصرف میرسانید بلی حس نظارت از بین رفته و آیا این عدم حس نظارت جز نتیجه ایام فترت است ؟ جز مولود همان استبداد های حکومت نظامی است ؟ در دوره فترت همان دیو مهرب استبداد با تغییر قیافه و بایک چهره بشاش و فریبنده در جامعه ایران عرض اندام کرد و بواسطه اینکه افکار و احساسات ایرانی در ایام دوره فترت در تحت فشار و مضیق بوده نتوانست تشخیص دهد که این همان عفريت است (منتهی با تغییر قیافه و استعمال ماسک قشنگی در صورت) که مدتها از او گریزان بود و خون خود را در راه اعدامش ریخته و با این تغییر قیافه با کمال خاطر جمعی ملت را بقسمی در تحت فشار گذارد که ابد حس برای او باقی نماند آزادی کشته شد آزادی فکر و عقیده بکلی از میان رفت و برضد آزادی و سائلی فراهم نمودند که احدی (بغیر از معدودی که مطابق عقاید مسبین این وضعیت اظهار می نمودند) قادر بر اظهار جزئی عقیده در اصلاحات نبود و بمجرد اینکه یک عقیده بر علیه نظریات کسانی که تشکیل دهنده این وضعیت بودند اظهار میشد بوسائل و ابیادی که داشتند و بتوسط آن میکربهای مضرری که در دوره زندگانی خود در فضا منتشر نموده بودند هزاران تهمت و افترا باظهار کننده آن عقاید نسبت می دادند که دیگری جرئت

نمیکرد در حدود آن عقیده اظهار رأی کند آیا در مقابل آن تهدید چه ظاهر میشد !

هرج و مرج اداری - خودپسندی خود خواهی مایوس شدن عناصر ملی و خادمین حقیقی مملکت و در عوض همان اشخاص که خیال استفاده های کلی در این مدت قلیل داشتند روی کار آمدند و در نتیجه استفاده جایگزین آراء و احساسات ملی شد. دیگر از بدبختی های دوره فترت مداخله اشخاص غیر مسئول و عناصر فاسد و استفاده چی (که سیاست را وسیله ارتزاق قرارداد بود) در امور مملکت بود که بنام ملت همان عده قلیل طوری در امور سیاست دخالت کردند که مملکت را باین روز سیاه نشانیدند و همه را در حیرت گذاردند وقتی بنا شود عناصر غیر مسئول در سیاست مملکت مداخله کنند وقتی که برای مداخله کنندگان بهیچوجه مسئولیت در کار نباشد آیا نتیجه جز جلب منافع خصوصی و غرق جامعه در گرداب هلاکت است ؟ اینها همه از نتایج دوره فترت است اگر مملکت یک مرکز ثقلی داشت اگر مجلس شورای ملی که بایستی بنام ملت دخالت در سیاست مملکت بکند دائر و مفتوح بود عناصر غیر مسئول نمیتوانستند دخالت در سیاست بکنند و رجال نالایق همان کسانی که از وضعیت دوره فترت بزرگترین استفاده ها را داشتند همان کسانی که باقیافه آزادی خواهی که روح استبداد در قالبشان متموج بوده بیشتر از همه مشوق این عناصر غیر مسئول بودند همانها بواسطه عدم لیاقت دست توسل بدامن این و آن میزدند و برای اینکه خودشان هیچوقت داخل اصلاحات نمیشدند و متکی بعمل خودشان نبودند متکی باین عناصر غیر مسئول میشدند و باعث تکثیر این میکربهای اتماعی میگرددند میکربهایی که (مثل میکرب وبا بمجرد احساس رطوبتی که باعث نموشان میشود منتشر میگردد) همانطور این رجال نالایق محل نمو این میکربهای اخلاقی گشته برای اینکه موافق مقصودشان با آنها رفتار میکردند که بمساعدت آنها داخل انتریکت بودند و رقبایشان را از میدان رانده خود جایگزین آنها کردند نتیجه تمام اینها این شد که در مرکز مملکت یک دسته عناصر غیر مسئول از سیاست مملکت ارتزاق کنند پس حالا ما باید جهاد کنیم و بکوشیم که امروز مملکت را مشروطه نمائیم اصول مشروطیت را ایجاد کنیم بلی امروز مشروطه کردن مملکت خیلی مشکل تر از دوره اول سنه ۱۳۲۴ است برای اینکه آنوقت احساسات متهیج با کمال امینواری اطاعت کسانی را که در صدد اصلاحات بودند تعقیب مینمودند ولی امروز ما بایک احاساتی مواجه میباشیم که از همه چیز متنفر و از همه کس مایوس میباشند ما باید جهاد کنیم و باین احساسات دومرتبه اصول مشروطیت را ایجاد نموده و بعامه بفهمانیم که سبب این فلاکتها همان منظور نداشتن احترام قوانین است بلی ما باید با عفريت استبداد مبارزه نمائیم اگر چه این مبارزه کار بسیار مشکلی است لیکن امیدواریم که با

انگاری که بحقیقت و عقابیت داریم بتوانیم در مقابل این عفریت عرض اندام کنیم و بر او مسلط شویم ما باید دشمنان آزادی عقیده را بزرگترین دشمنان مملکت بدانیم عقاید سیاسی آزاد است و همه کس باید از این آزادی استفاده نماید نه اینکه هر کس اظهار عقیده کند فوری عقیده او را به افترا و اتهامات ترور کنند عقیده است که مملکت را رو بسعدت میرسد اگر بنا شود آزادی عقیده سلب گردد و آنوقت عقاید یک عده خیلی محدود و حکمفرما شده و مملکت در تحت حکومت (اولیگارشی) اداره میشود ما باید با اشخاصیکه با موجودیت مجلس شورای ملی مخالفتند با امت آهنگین مبارزه کنیم ولی این حمله بایستی با ممانعت اجرا گردد. باید دانست مخالفین مجلس شورای ملی چه کسانی هستند مخالفین مجلس دو قسمند. مخالفین خارجی و مخالفین داخلی مخالفین خارجی مجلس کسانی هستند که از احتیاجات مادی ما استفاده نموده و میدانند که اگر مجلس شورای ملی باز شود با تجربیات گذشته شاید ابتدا فکری برای رفع احتیاجات مادی خود بنمایند و آنوقت و زمانی که برای خرابی ما دارند از دستشان پرود و نیز میدانند که اگر مجلس باز شد مقدم بر همه چیز موافق و طایفه خود از دولت تعدیل بوجه را میخواهد بلی اولین وظیفه بلکه حقیقت و اساس مشروطیت تعدیل و نظارت بوجه است و بواسطه تعدیل بوجه احتیاجات مادی که بدیگران داریم از بین خواهد رفت و وسیله هم که سبب قبول تقاضاهای آنها میشد مرسوم میشود و بالاخره آنها یکمکه از احتیاجات فنی ما استفاده مینمایند میدانند که اگر مجلس مفتوح باشد با یک رویه که برای مصالح مملکت مضر نباشد رفع احتیاجات فنی را خواهد کرد البته در این صورت آنها یکمکه بواسطه همین احتیاجات دائره منحصراً ایران را تنگ میکردند و از مسامحه زمامداران فترت استفاده میکردند نمیخواهند مجلس مفتوح گردد آیا برای این مقصود چه وسیله بکار میبردند؟ اول با اتهامات مردم را عصبانی کرده بخش میدادند تهمت میزدند و بویکلا و نمایندگان بدگویی میکردند و بالاخره افکار را نسبت بمجلس شورای ملی متهیج میکردند اینها هستند دشمنان خارجی و من بازم میترسم که در مقابل مجلس سنگهای بزرگتری انداخته شود و بواسطه همان موانع نگذارند موفق باصلاح مملکت گردد و اما مخالفین داخلی مجلس باید دید که چه کسانی هستند همان کسانی که از بیحالی حکومت از سستی دولت استفاده کرده تخفیفات می گرفتند خرج تراشیدها میکردند و بالاخره بدل و بخشش های حکومت و شهریه ها و اندوخته ها و فوق العاده ها و سایر استفاده آنها بوده و البته میدانند که با بودن مجلس ممکن نیست این طور استفاده ها کرد و اینطور بارهای طاقت فرسا بردوش یک جمعیت فقیر مالیات بده مملکت باز کرد بلی اینها مخالفین داخلی

مجلس شورای ملی هستند ولی بمقیده من علاقه مندی با اصلاحات است که میتواند در مقابل این اردوی مکرمل عرض اندام نماید اگر مجلس علاقه مندی به اصلاحات را ظاهر کرد ملت و جمعیت حامی و پشتیبان مجلس است و آنوقت میتواند در مقابل عده قلیل استفاده چپی مقاومت کرده و آنها را محو نماید پشتیبان دیگری که برای مجلس ممکن است تصور نمود همان روح وحدت در مجلس میباشد و باید برای مقاومت در مقابل اردوی مخالف اغراض سابقه را مدقون نموده مجلس شورای ملی باید بیکای داخل مناقشات خصومی و جزئی نشود باید متحداً بدون تفرقه و اختلاف برای حمله باین اردو حاضر باشد و نمایندگان برای بشرف اصطلاحات هم برادرانه اقدام کنند کسی که در دوره چهارم تقنینه بعقیده بنده بر خلاف رویه اتحاد در مجلس شورای ملی رفتار کند میتوانم بگویم که بزرگترین دشمن وطن است و موجب بدبختی و فلاکت مملکت همان کسی است که بخواد روح وحدت در مجلس شورای ملی ایجاد نشود چرا که مبارزه با مخالفین سخت است و سالها به بیماگری عادت کرده اند و باید برای مبارزه با آنها متحد بود این بود عقیده شخصی خودم راجع بسیاست مجلس شورای ملی و تصور میکنم که این عقیده را تمام آقایان و کلا محترم می پذیرند اما اصلاحاتی که مجلس شورای ملی باید داخل در آن اصلاحات شده و آنها را مقدم بر سایر اصلاحات بدارد بعقیده بنده باید آن اصلاحات را تقسیم و تفکیک کرد و در هم داخل نمود تا خط مشی ثابت و معلوم بشود. اول اصلاحات اجتماعی است در یک مملکتی که از هر نقطه نظر فقیر و محتاج است مجلس شورای ملی باید خارج از حدود و محیط از خارجه یک وظایف بزرگتری هم برای خودش قائل باشد و آن اصلاحات اجتماعی و اخلاقی است که یکی از بزرگترین وظایف مجلس است تاحدی که در تحت اختیار مجلس شورای ملی است قبل از هر چیز باید شروع بان اصلاحات اجتماعی و اخلاقی بکنند و بعد داخل اصلاحات اداری بشود اول باید مفاسد اجتماعی را فهمید و بعد داخل اصلاحات آن شد بکنی از بزرگترین مفاسد اجتماعی وجود همین طفیلی های جامعه و پارازیت هائی است که به بدن این جامعه افتاده و متصل خون آن را مکیده و به اعضای جامعه منتشر میشود ابتدا از فضای تهران شروع شده و تدریجاً بتمام اعضای مملکت ایران (اعضاء لاغر و ناتوان مملکت) سرایت میکند و مثل یک گاز مسموم متصل از فضا پراکنده شده و باد آن را بر جامبرساند و بدماغ هر کس برسد مسموم میکند از طهران اخلاق این قسم اشخاص باطراف ایران سرایت میکند و متصل بدن این مملکت را مبتلا بامرض سخت و بالاخره آن را فنا و نابود میکند قبل از هر چیز باید از این مسئله جلوگیری کرد این تکلیف نمایندگان ولایات است که باید ایالات ایران را از دست این میکروبهای مسموم نجات بدهند باید نگذارند این مرض مسری

و با اطراف سرایت نماید و باید فراترین در اطراف ایران بگزارند باید بقوه دفاع سرایت او را دور اندازد که میتواند محدود کرد و در کانون خودش او را معدوم کنند تا نتواند بماند و سرایت کند این پارازیت های اجتماعی در طهران همیشه زندگانی بر طنطنه و مملو از نفاست و مملو از تقنن و آرزینت داشتند و زندگانی خود را از خون مملکت گذرانده و بار آنها بردوش این توده فقیر مالیات بده میباشد فقط اگر از آنها بپرسید که شغل شما در جامعه چیست و عضویت جامعه را که دارید بچه وظیفه موظفید می بینید که جز یک عضو فاسد که باید فوری قلع و قمع کرد هیچ وظیفه دیگری برای خودش در حوزه اجتماعی نمیتواند معرفی کند از سیاست و پارتنی بازی ارتزاق میکند. از پشت میز نشستن. از دست بندی ارتزاق میکند و بالاخره نتیجه این میشود که یک ملت بدبخت زیر بار استقراض های کمر شکن رفته و اسیر شود و باید این اشخاص را قلع و قمع کرد و گریبان جامعه را از دست آن نجات داد دوم از اصلاحات اجتماعی که الزام از هر چیز است امنیت است جامعه امنیت میخواهد جامعه در تحت لوای امنیت میتواند زندگانی کند زراعت تجارت سعادت جامعه و هر چه را که راجع بجامعه است ملاحظه کنید در تحت عنوان امنیت میتواند اداره شود و در نبودن امنیت نه زراعت نه تجارت نه سعادت برای جامعه باقی نمی ماند قبل از همه چیز بایستی امنیت و وسائل او را فراهم کرد باید تمام اهتمام بر این قرار داد که اگر در اقصی بلاد ایران یک رعیت ضعیف در گوشه بیابان گرفتار غارتگر ها بشود (چه غارتگرهای اداری و چه مسلح و صحرانشین) باید گوشها را برای شنیدن صدا های او شنوا کرده خواب را بر خود حرام نموده و او را از بدبختی و شقاوت نجات داد و بالاخره وسائل راحت او را بر طبق عدالت فراهم ساخت. عدالت است که در حقیقت میتواند در ضمن امنیت گنجانده شود امنیت برای حفظ جامعه است اگر عدل نباشد انسان بر حفظ حقوق خود مأمون نیست اگر عدل نباشد بر حفظ حقوق خود قادر نیست عدالت در این مملکت مرتفع است امنیت هم مرتفع است مقصود نه این است که اردو های غارتگر از این طرف و آن طرف مشغول غارت باشند هستند باید اهالی از آنها امنیت داشته باشند بلکه مقصود این است که باید هر یک نفری از یک نفر دیگر مأمون باشد. امنیت حقیقی این نیست که هر ضعیفی مقهور قوی تری است بدون باز پرس عالتش نبودن مسئولیت است پس باید این دو اصل حقیقی را در مملکت ایجاد کرد سوم مساوات است ما باید بحقیقت مساوات در حقوق راد در مملکت ظاهر نماییم مساوات در حقوق این مملکت نیست و ما از خودمان پنهان میکنیم و خیال میکنیم که همه در مقابل قانون مساوی هستیم نه اگر یک نفر

صاحب القاب و حیثیت و طعنانه دارای هزاران جرم حقوقی و اخلاقی و جنائی باشد چون از طبقه عالی و دارای طنطنه است از این جهت مصون است دولت ماست مالی میکند. وزیر ماست مالی میکند. اداره ماست مالی میکند و بالاخره اداره نظمی حتی پلیس هم ماست مالی میکند برعکس اگر یک نفر ضعیف و بی دست و پا بیک عنوان گرفتار و مبتلا باشد هزاران تعقیب غیر مشروع از او دیده شده و شاید گناه آن شخص معنوم را تحمیل بر آن بیچاره کنند مثل اخذ مالیاتها در همین دوره مالیات اشخاص مطمئن تخفیف داده شده و تحمیل بر همسایه ضعیفش گردیده مجازات هم شاید همینطور است مجازات قوی بر ضعیف تحمیل میشود.

یکی دیگر از جمله چیزهائی که در جامعه بزرگ ترین بدبختیهاست و در حقیقت میتوان گفت که تمام اصول اداری و تمام مفاسد اخلاقی و اجتماعی ناشی از اوست و اصول اخلاقی و اداری در مقامش متزلزل است رشوه و ارتشاء است رشوه و ارتشاء باندازه در مملکت ما منتشر و بی پرده شده که از بزرگترین زمامداران طبقات عالی تا کوچکترین افرادی که در دوائر دولتی مستخدم هستند بدون هیچ قسج و خجالت قبل از همه چیز فوری حق اجرت خودش را میخواهد بدون اینکه حس بکند چه وظیفه را باید انجام بدهد در تمام ادارات ما باندازه ای رشوه رواج گرفته که هیچکس مأمون بر حفظ حقوق خودش نیست هیچکس نمیتواند یک اداره متمسک شود و دو کلمه حرف حسابی بزند اگر رشوه داد میتواند حرف بزند و الا تمام حقوقش در زیر پای اغراض پامال خواهد شد این مسئله باندازه ای در مملکت ما واضع و برهن است که اگر از هر فردی از افراد راجع بدو ایر سئوال کنیم میگویند پول لازم است و باید خرج کرد چقدر این مسئله جامعه را فاسد کرده و چقدر اسباب افتضاح دوائر گردیده و چقدر اسباب مفاسد اخلاقی و اجتماعی شده. در زندگانی اداری و اجتماعی چه چیز بدتر از رشوه و ارتشاء است؟ البته باید جلوی گیری نمود و مخصوصاً راجع بر رشوه و ارتشاء قانونهای سخت ایجاد کرد و جدا اجرا نمود نه فقط وضع قانون کرد یکی از اصلاحاتی که جزء اصلاحات فوری باید شمرده شود رفع تحمیلات طاقت فرسائی است که باهالی مملکت شده چه جمعیت مالیات بده مملکت ایران طاقت تحمل این مالیات را ندارد همه وقت میگویند مالیات بده کسر مخارج داریم و اگر مالیات وضع نکنیم و محل تراشیم از خارجه باید قرض کنیم فوری عنوان قرض را جلوی میکشند در حالیکه دروغ میگویند (بوجه مملکت در تمام مدت مشروطه ایران در تمام عمر مجلس شورای ملی که چهار دوره است بمجلس نیامده هر وقت هم یک لایحه مالیاتی بمجلس شورای ملی وارد میشد وقتی بآنها میگفتیم این مالیات را که میگیرید بچه نوع مصرف میکنید بوجه کو. برای چه کسر مخارج دارید میگفتند عجلتاً این امر فوریت این را تصویب کنید بعد بوجه را میآوریم تصویب کنید باز بوجه را نمی آورند بهر حال باید رفع این مالیاتهای طاقت فرسا را کرد باید ملت ایران زیر بار یکدینار مالیات نرود مگر اینکه بوجه مرتب شود (آنها بوجه یک

دولت فقیر و وضعی مثل ایران نه یک دولت متفنن که دارای ثروت زیاد است چنین بوجه را بر ایران نباید تحمیل کرد) وقتی که بوجه اش مرتب شد آنوقت زیر بار مالیات باید برود یکی از بزرگترین اصلاحات اجتماعی بر انداختن این اصل از این مملکت است که هر کس در هر لباس و هر شغل و هر سلسله هست صبح که از خواب برمیخیزد اول فکری که برای ارتزاق خود میکند دخول در ادارات دولتی است و هیچ وظیفه دیگری برای خودش فکر نمیکند و چون هیچ وسیله را فکر نمیکند و فقط میخواهد داخل در اداره شود البته باید باین و آن متوسل شود و شروع بآرتزاق و دسته بندی می نماید و شروع می کند به تشکیل احزاب و داخل شدن در احزاب و احزابی که هر ساعت یکدیگر را تکه تکه احزابی که هر وقت دولتی روی کار آمد مرامشان مرام همان دولت است احزابی که یکروز دموی کراتند یکروز اعتدالند و یکروز سوسیالیست و بهر اندازه که اسم دردناک ممکن است تصور کرد در ایران ایجاد می کنند بدون اینکه مرامی داشته باشند مرامشان فقط دخول در اداره و پشت میز نشستن و ارتزاق از خزانه دولت و فقط است کردن جامعه و جیب ملت خالی کردن است یکی دیگر از جمله چیزهائی که جزء و اصلاحات فوری است و از آنهاست که تا بحال عرض کردم قدری فوری تر است قانون مجازات میباید آریا هیچکس نمیتواند تصور کند که جلو مشتهیات نوع بشر را می توان بدون مجازات گرفت؟ هیچکس نمیتواند بدون اجرای مجازات جلو دزدی - غارتگری - حمله بر ناموس بر عرض و مال و جان دیگری را بگیرد - آریا جلوی گیری از مشتهیات قوی و حفظ حقوق ضعیف بدون مجازات ممکن است؟ قوانین آسمانی و زمامداران روحانی هم نتوانسته اند و دانستند که باید با این اصل غیر قابل تغییر عمل کرده در مقابل خیانت مجازات قرار داد و در مقابل خدمت مکافات - مکافات تشویق کننده ملت است و مجازات تهدید کننده خائن - آریا در مملکت هیچ شنیده اید که از اول دوره مشروطیت تا بحال یک نفر مأمور را مجازات کرده باشند و باز دوره استبداد که اگر یک نفر زمامداران تعدی میکرد شاید یکی از پادشاهان او را مورد دستخط واقع می ساخت که مورد غضب شاه واقع شود و اموالش را بطور جریبه ضبط نماید) آری امروز یک نفر شخص اداری یک نفر وزیر یک معاون یک نفر عضو اداره را شنیده اید که هیچ خوفی داشته باشد که اگر من فلان عمل را بکنم ممکن است مورد مجازات و مواخذه واقع شوم هیچ شنیده اید که یکروز یکی از اعضای اداری را مجازات کنند نهایت چیزی که بود اگر یک خیانت بزرگی کرده با طرف حب زمامدار نبوده از آن محل موقتاً منصرف و بعد در محل دیگر ارتقاء رتبه پیدا کرده این بود سیاست مستمره این دوره آریا حالا هم همینطور باید باشد؟

آریا نمایندگان ملت میتوانند راضی بشوند که که بهمین رویه ما امرار حیات بکنیم؟ آریا ممکن است یک قدم رو با اصلاحات برویم قبل از همه چیز مجازات باید در حق همه کس اعمال شود مقامات عالی و علوم مقام نباید مانع اجرای مجازات بشود اگر این حقیقت مسلم بشود ولو برای یکروز هم که باشد اگر مجازات در مملکت حکم فرما شود خواهید دید که

همین ملت ایران که دارای هزاران مفاسد اخلاقی است چطور بطرف حقیقت سوق داده میشود وقتی مجازات نیست نه ایرانی اروپائی هم که برای تشکیلات این مملکت می آوریم بدبختانه بدتر از ایرانی میشود اگر اروپائی های مستخدمین ایران را ملاحظه کنید بایک مواجیبی که اگر آنرا مقایسه کنید می بینید از برای زندگانی عادی قدری بالاتر است دوست الی سید اسب در طول راه است و ماهی سه چهار هزار تومان مخارج میکند و هیچکس هم نمی پرسد از کجا وارد می شود از جیب کی بیرون می آید بر شورت کی افزوده میشود البته مملکتی که مجازات نداشت باشد چه مستخدم داخلی و چه خارجی باشد مطابق مشتهیات خود عمل میکنند برای اینکه باز پرس نیست هر چه می خواهند میکنند در تعقیب این ماده باید بمجلس شورای ملی راجع بیک مسئله یک تصمیم تغییر ناپذیری بکند و آن رسیدگی باعمال زمامداران و مسئولین و تشکیل دهندگان کابینه در دوره فترت است - در این مملکت تحسین ها بهر کسی گفته میشود و تقبیحها از هر کسی کرده می شود گاهی نسبت خیانت و گاهی نسبت خدمت میدهیم بعضی را مقدس و بعضی را ملوث می نامیم در عین حال همان شخص که مقدس است وقتی که مطابق میل ما رفتار نکرد ملوث میشود و همان شخصی که ملوث است اگر مطابق میل ما رفتار کرد مقدس میشود بدون اینکه تقدیسی که از تقدس و تقبیحی که از ملوث می کنیم بدانیم از چه رواست من ادعا میکنم هم مدعی هستم و هم حاکم و وقتی میل می کند نسبت خیانت بفلان شخص میدهم و می گویم محکوم باعدام است بدون اینکه در هیچ محکمه ثابت شده باشد پس بنابراین من میگویم مادامیکه زمامداران دوره فترت را محاکمه نکرده اید نمیتوانید از روی منطق کسی را تقبیح یا تحسین کنید و اگر هم همین طور بگذارید و بخواید اعمال زمامداران دوره فترت را در تحت محاکمه نیارید بعد از این هم همینطور خواهد بود برای اینکه مسئولیت بتمام معنی عرض اندام کند باید محاکمه در کار باشد باید آن کسانی که مملکت را بطرف خرابی و هرج و مرج سوق دادند محاکمه بشوند که سیر اعمالشان در یک محکمه ظاهر بشود پس از محاکمه نتیجه آن اعلام شود آنوقت اگر خدمتگذارند تشویق کنند و اگر خیانت کارند مملکت آنها را بمجازات برساند و بالا اقل اگر نتوانستند مجازات کنند نگذارند داخل در محیط مملکت بشوند من در این قضیه یعنی وضع قانون مجازات و در رسیدگی بعملیات زمامداران دوره فترت باز از همه تقصد هستم. که مادامیکه در این مجلس هستم و میتوانم از این کرسی استفاده کنم در هر دقیقه و هر آن این مسئله را تعقیب میکنم (گفتند صحیح است) البته بلا اشکال نیست و در هر موقعی که ما بخوایم قدم برای اصلاحات برداریم تمام سیاه کاران دوره فترت با ما طرف می شوند تمام استفاده چپ ها قانون شکن ها و شهریه بگیرها و آن کسانی که دوش ملت را سنگین کرده اند با ما ضدیت می کنند البته ما هم باید مقاومت بکنیم فقط حسن و جدیت مجلس می تواند در اینجا مقاومت کند تا ملت بداند که مجلس شورای ملی برای راحت او مشغول با اقدام است و

آن وقت همان کسانی که برخلاف شما اقدامات می کنند خود ملت حتی پیره زنها اصول آنها را بر می اندازند پس بدون جبن و ترس باید قدم برای این اصلاحات برداریم . خصوصا مجازات و محاکمه یکی از اصلاحات لازمه اجتماعی اصلاح مطبوعات است - مطبوعات بزرگترین خطیب پرورش اخلاق ما مطبوعات بهترین وسیله انتشار علوم و معارف . مطبوعات که اساس آزادی اوبزرگترین اساس مشروطیت و حکومت ملی است آیا هیچ می دانید مطبوعات برای چه آنقدر دارای مقام بلند است فقط بجهت اینکه خطیبی است که می تواند صدایش را بتمام نقاط این مملکت برساند مطبوعات بهترین وسیله نشر معارف علوم است اگر قیافه مطبوعات از این حقیقت منصرف شد و یک قیافه نشر مفاسد بخود گرفت آیدر جامعه بازهمان مقام ارجمند برایش می ماند؟ خیر نتیجه موجودیت یک عده از مطبوعاتی که لیاقت نشر محاسن اخلاقی را ندارند این است که سایر مطبوعات عالی را هم محو و معدوم میکنند روزنامه نگاری در مملکت ما یکی از آن کارهایی شد که وقتی دست شخصی از همه کارها در مملکت کوتاه می شود فکر میکند که برود یک روزنامه تاسیس کند و آنرا وسیله ارتزاق خود قرار دهد این یگانه راه نشر معارف است که برای ما مانده آنرا هم باین ترتیب خراب می کنیم ما میدانیم مطبوعات دارای مقام بلندی هستند و باید حافظان این مقام باشیم و نگذاریم که عده اشخاص نالایق داخل در این دایره شوند زیرا که آنوقت استفاده از لایق هم نمیشود کرد (گفتند صحیح است) پس باید یک قانونی وضع کرد که حیثیت مطبوعات محفوظ بماند و مطبوعات آنطوریکه باید بتواند عرض اندام کند کسیکه نمی تواند خطیب معارف و علوم بشود کسیکه نمی تواند منادی اصلاحات بشود روزنامه نویسد ضرورت ندارد که روزنامه نویس شود بمجرد اینکه انسان توانست یک مقدار کاغذ و خرج طبع یک روزنامه را تهیه نماید بهر وسیله که هست یک امتیاز گرفته و روزنامه چاپ میکند و یک چیزهایی می نویسد که اسباب تفرج جامعه میشود این یکی از مفاسدی است که ما باید جلوگیری کنیم ما موظف هستیم و ناچاریم حتما از این امور جلوگیری کنیم کسی که میخواهد منادی اصلاحات بشود خودش باید حس اصلاح داشته باشد برای اینکه حفظ حقوق را بکند نه اینکه متوسل بیک سنخ حرفهایی که خارج از حدود اخلاق است بشود ولی متاسفانه امروز بسکه جماعت را عادت داده اند میگویند فلان نمره روزنامه را خوانده اید یا خیر؟ امروز یک نمره عجیبی طبع شده هیچ چیز برای هیچکس باقی نگذاشته است این وقتی است که میخواهند تعریف او را بکنند این خیلی بدبختی است البته یک کسی که سرمایه علمی نداشته باشد و بخواهد چیزی بنویسد و آنهم وسیله ارتزاق او باشد باید همینطور هم باشد امانه آن کسی که نویسنده است و دارای مقام عالی است هیچوقت از دایره زینده مطبوعات خارج نشده حیثیت مطبوعات را حفظ می کند از این جهت باید قانونی وضع کرده که شرافت و حیثیات مطبوعات را

حفظ کند یکی از چیزهایی که فوق العاده لازم است اصلاحات اخلاقی است هیچ متوجه شده ایم که بواسطه مفاسد اخلاقی روز افزون که در پایتخت مملکت اینهمه زیاد است چه بلاها و بدبختی ها بر جامعه نازل شده است و همچنین مناهای و منکرات روز افزون آیا نتیجه اشاعه این منکرات و مناهای چیست تنزل نسل - وجود امراض - بدبختی های فوق العاده - فلاکت - رفتن سرمایه فقیر شدن تمام افراد و بدون اینکه ملتقت باین مفاسد باشیم روز بروز زیاد می شود باید از حکومت درخواست کرد جلوگیری از این مفاسدیکه روح ایرانی را فاسد کرده بکند تا اقلا یک محسنات اخلاقی ثابت بماند یکی از اصلاحات لازمه اصلاحات اقتصادی است که مجبوریم فداکاری کنیم و بازوایند زندگانی مخالفت نمائیم - زوایند زندگانی کمرها را خم کرده و بکلی ملت را نیست نموده است زوایند زندگانی است که زندگانی را بقر و فاقه کشانده است و الان می بینیم روز بروز روباز دیاد است البته وقتی که زندگانی مشرقی زندگانی رقابت است وقتی که می بینید هم دوش خودش دارای اسباب زینت است دیگری هم عقب آن میرود زوایند زندگانی این مملکت را خراب کرده و اعضاء ادارات را بدزدی و اوار کرده است برای اینکه محتاج بزوایند زندگانی هستند این زوایند تاجر و کاسب را از اعتبار انداخته است باب معاملات را مسدود کرده. این زوایند روز افزون همان زوائندی است که ملل متدنه دنیا از ورود به مملکت خودشان جلوگیری کرده و بار میکنند بطرف دول مشرق مخصوصا بایران پس باید مردم را از لو کس و زوایند کمر شکن حفظ کرد. اما مسئله اصلاحات اداری که بنظر بنده رسیده است ولی اگر آقای رئیس و آقایان مایلند به تنفس بنده عرضی ندارم والا اگر میل ندارید بنده حاضرم عرایض خود را تمدید دهم .

نایب رئیس - برای اینکه بقیه نطق آقای حاج آقا را بدون خستگی استماع بفرمائید اگر بطوریکه آقای حاج آقا میفریند موافقت داشته باشید بقیه نطق آقای حاج آقا بماند برای بعد از تنفس یا در جلسه دیگر مخالفی نیست (بعضی تصدیق کردند)

حاج آقا - برای بنده فرقی نمیکند هر وقت آقایان اجازه بدهند بنده حاضرم (در این موقع آقایان نمایندگان از مجلس خارج شده و پس از نیم ساعت مجددا جلسه تشکیل گردید)

نایب رئیس - آقای حاج آقا بفرمایند (اجازه نطق)

حاج آقا - چون عرایض بنده زیاد مانده و نیم ساعت هم از ظهر گذشته است و مجلس را ختم میفرمایند از این جهت بنده بقیه عرایض خودم را برای جلسه آتی می گذارم ولی قبل از اینکه جلسه ختم شود عرض می کنم که اظهار عقیده بنده راجع بزمامداران ایام فترت کرده ام این موجب سوء تفاهم شده و همچوتصور فرمودند که بنده تمام زمامداران را در عرض هم وظیفه ناشناس و غیر عامل بوظایف خود می دانم نه این طور نبوده و در پیشگاه عمومی هم این مطلب واضح است

که یکقسمت از زمامداران کاملا وظیفه شناس و عامل بوظیفه خود بوده اند و سابقا هم اشاره کرده ام که ملت نمیتواند بهیچ زمامداری نسبت عدم لیاقت یا خیانت بدهد مگر اینکه محاکمه بشود و خیانت او معلوم شود هر کس را باید محاکمه کرد کرده اگر وظیفه شناس است او را تقدیس و اگر وظیفه شناس نیست او را تقبیح کرد و مکرر این را عرض کرده ام که زمامداران دوره فترت را قبل از محاکمه نباید محکوم بعدم وظیفه شناسی بدانند و جامعه هم باید آنها را بوظیفه شناسی نگاه نکنند تا آنها محاکمه بشوند و نتیجه محاکمه را اعلام و خدمت گذاری آنها را بملت خاطر نشان نمایند پس بدون محاکمه اگر نسبتی بیکی از زمامداران داده شود گراف و بهبودی است و جامعه هم باید بدون محاکمه همه را عامل بوظیفه بدانند حتی اعضاء ادارات که شاید خیلی از اعمالشان بیش مردم مکشوف باشد ولی مادام که محاکمه نشده اند نباید نسبت بد به آنها داد

سدیدالملک - باستثناء زمامداران کودتا

حاج آقا - بله اعضاء ادارات زمامدار نبوده اند .

نایب رئیس - بعضی از آقایان اجازه نطق خواسته اند آقای ملک الشعراء و آقای حاج شیخ اسدالله و آقای مستشار السلطنه چون وقت گذشته است اگر موافق باشند بماند برای جلسه آتی .

مستشار السلطنه - بنده میخواستم عرض کنم که اگر آقایان مستوفی الممالک مشیر الدوله هم ساکت باشند .

نایب رئیس - عرض کردم می ماند برای جلسه آینده درخاتمه نطق آقای حاج آقا اجازه بخواهید .

حاج شیخ اسدالله - بنده عرض میکنم نباید وقت مجلس را تلف کرد برای مذاکراتی که بالاخره نتیجه ندارد باید همین امروز خاتمه بمذاکرات داده شود بنده عقیده ندارم که برای جلسه آتی بماند

نایب رئیس - چون وقت گذشته است میماند برای جلسه آتی دستور جلسه اول بقیه اظهارات آقای حاج آقا - دوم قرائت راپورت اداره مباشرت سوم تعیین کمیسیون ها در خارج - چهارم خواندن بقیه اعتبارنامه ها (گفتند صحیح است)

جلسه آتی هم روز سه شنبه سه ساعت قبل از ظهر خواهد بود .

مجلس سه ربع ساعت بعد از ظهر ختم شد
رئیس مجلس شورای ملی

جلسه ۲۱

صورت مشروح مجلس روز سه شنبه ۲۵ شهری ذی حجه الحرام ۱۳۳۹ مطابق هفتم

برج سنبله ۱۳۰۰

مجلس دو ساعت قبل از ظهر در تحت ریاست آقای موتن الملک تشکیل گردید صورت مجلس روز شنبه بیست و دوم ذی حجه را آقای آصف الممالک قرائت نمودند .

رئیس - نسبت بصورت مجلس اعتراضی